خراسان رضوی

صفحه آخر

یک‌شنبه
۲۵آذر ۱۳۹۷
۸ربیع الثانی ۱۴۴۰
۸صفحه/شماره ۴۰۱۷

حکمت روز

امام صادق (ع)

از بزرگ‌ترین جادو، سخن‌چینی است؛ زیرا با سخن‌چینی، میان دوستان جدایی می‌افتد، دوستان یکدل با هم دشمن می‌شوند، به‌واسطه آن خون‌ها ریخته می‌شود، خانه‌ها ویران و پرده‌ها دریده می‌شود. سخن‌چین، بدترین کسی است که روی زمین راه می‌رود.

احتجاج(طبرسی) ج ۲، ص ۳۴۰ - بحارالأنوار(ط-بیروت) ج ۶۰، ص ۲۱، ح ۱۴

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
تو موجود عارفانی، آرزوی دل مشتاقانی
یاد آور زبان مداحانی، چونت نخوانم که نیوشنده آواز راعیانی
چونت نستانم که شاد کننده دل بندگانی، چونت ندانم که زین جهانی و دوست ندارم که عیش جانی
یارب ز شراب عشق سر مستم کن
در عشق خودت نیست کن وهستم کن
از هرچه ز عشق خود تهی دستم کن
یک باره به بند عشق پابستم کن

با شاعران

حکایت

عبدالقادر گیلانی (۱) را در کنار کعبه دیدند، صورتش را بر روی ریگ زمین نهاده بود و چنین می گفت: خدایا! مرا ببخش و اگر سزاوار عذاب هستم، مرا در قیامت نابینا محشور کن تا در برابر نیکان شرمسار نگردم.
روی بر خاک عجز می گویم / هر سحر گه که باد می آید
ای که هرگز فراموشت نکنم / هیچت از بنده یاد می آید؟ (۲)

۱_عبدالقادر گیلانی، پیشوای سلسله قادریه از مشایخ صوفیان است. او در سال ۴۷۰ یا ۴۹۰ چشم به جهان گشود و در سال ۵۶۰ یا ۵۶۱ ه. ق در بغداد در گذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. (گلستان سعدی، به کوشش دکتر خلیل خطیب، ص ۱۴۵.)
۲_معنی شعر: هر بامداد که نسیم می وزد در برابر عظمتت، روی ذلت بر زمین می نهم، ای خدایی که من تو را فراموش نمی کنم! آیا هرگز از من یاد می کنی؟

حکایت‌های گلستان سعدی به قلم روان
محمد محمدی اشتهاردی

مشهد #Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

رضا کیانیان در اینستاگرام خود از قایق‌های کهنه رها شده در رود کارون و مرداب انزلی سخن گفت و نوشت: «مرگ هم زیبایی خودش را دارد...»
کیانیان در سال ۱۳۹۵ نمایشگاه عکسی برگرفته از شعر «مسافر» سهراب سپهری برگزار کرده بود و در این نمایشگاه ۱۲ عکس از مرداب انزلی و ۱۲ عکس از کهکشان بر دیوار گالری آرت سنتر قرار داده بود؛ بعد از گذشت حدود دو سال از برگزاری این نمایشگاه، وی در اینستاگرام خود ۱۰ قطعه عکس از قایق‌های کهنه را به نمایش گذاشت و نوشت: «سال گذشته نمایشگاهی گذاشتم با ۲۴ قطعه عکس. ۱۰ تا از اونارو می تونید ورق بزنید و ببینید. هر کدام برشی از یک قایق و تلألوی رنگ‌های آن در آب است. همه قایق‌ها کهنه و داغون هستند. یک بار یکی‌شان، همین اولی، که روی رود کارون رها شده بود، به من گفت: مرگ هم زیبایی خودش را دارد. همین جمله باعث شد. بروم و از قایق‌های کهنه کارون و مرداب انزلی که هر دو نیمه‌جان هستند، عکاسی کنم.» بنابراین گزارش، ۱۵ بهمن ماه سال ۹۵ بود که نمایشگاه «دچار آبی بیکران» رضا کیانیان برگزار شد.

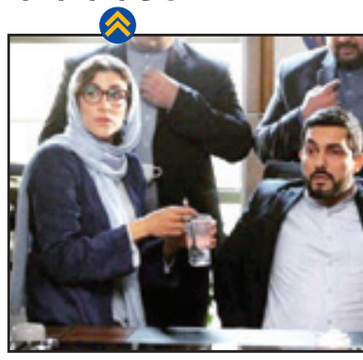

حامد بهداد، بازیگر خراسانی و ویشکا آسایش در صحنه‌ای از فیلم سینمایی مارموز به کارگردانی آقای کمال تبریزی. ویشکا آسایش این عکس را در صفحه اینستاگرامش منتشر کرد و مخاطبان را به تماشای این اثر طنز دعوت کرد.

صفحه شخصی محمد شیری، بازیگر با این عکس و گریم متفاوت وی به روز شد.

به روایت تاریخ

غلامرضا آذری خاکستر

روایتی از «یلنگ توش خان کلاتی»؛ حاکم منطقه کلات که چالش‌های زیادی را در دوران خود رقم زد

سردار سرحدات ترکستان

جلایرها از اقوام مشهوری بودند که در دوره مغول همراه با لشکر چنگیز خان وارد خراسان شدند و در مناطق مرزی به ویژه در محدوده «کلات» سکنی گزیدند. آن‌ها در این سال‌ها، در تاریخ و تحولات منطقه نقش به سزایی داشتند.
از این میان، «طهماسب خان جلایر» یکی از بزرگان این قوم که در دوره نادرشاه خدمات ارزنده‌ای انجام داده، نامش در تاریخ ثبت شده است.
او در جنگ نادر با عثمانی‌ها در میاندوآب، ارومیه و افاغنه هرات حضور داشت و با فرماندهی قسمتی از سپاه شاه، شهامت و شجاعت زیادی در مبارزه با دشمن از خود نشان داد که نتیجه‌اش پیروزی سپاه نادر بود و به پاس این خدمت از طرف نادر به دریافت لقب خانی و فرمان حکمرانی راز و قوشخانه سرافراز شد.[۱]
در دوره قاجار حکومت کلات نادری در دست بزرگان جلایر بود. ادوارد بیت با نگاهی به موقعیت جلایرها در خراسان نوشته است: «این‌ها منطقه کلات را به عنوان یکی از مناطق ملوک الطوایفی در ایران در چنگال قدرت خود حفظ کردند. جلایرها به خاطر موقعیت و شرایط طبیعی و جغرافیایی منطقه توانسته بودند تا حدود زیادی استقلال و خودمختاری داشته باشند. یکی از روسای آن‌ها به نام یلنگ توش خان در زمان محمد شاه(۱۸۴۸-۱۸۳۵م.) مزاحمت زیادی برای حکومت ایران فراهم کرد، اما سرانجام به‌زور گردن نهاده و تسلیم شد.[۲]»
آن چه در ادامه می خوانید روایتی است از یکی از چهره‌های تاریخی آن دوران که به دلایل متعددی، قصه‌اش ماندگار شد:

مردی بدقیافه با سیمای مغولی

«جیمز بیلی فریزر»، نقاش، سیاح و سفرنامه‌نویس اسکاتلندی در ژوئن ۱۸۳۳م./۱۲۴۸ق. در مشهد آن سال‌ها، موفق به دیدن حاکم کلات یعنی یلنگ توش خان می شود و در توصیف سیمای این مرد صاحب منصب می نویسد: او مردی بدقیافه، با سیمای مغولی، چشمان ریز و چهره سرخ مایل به زردی و حالت نامطبوع چهره بود.
به استناد توضیحاتی که در کتاب تاریخ شهر مشهد (از آغاز تا مشروطه) آمده، «در زمان فتحعلیشاه(۱۲۲۹ق.) حکومت کلات با صید محمد خان جلایر بود. برادر او یعنی یلنگ توش خان نیز در حدود سال ۱۲۶۴ق. و پس از مرگ صید محمد خان زعامت قوم جلایر و حکومت کلات را برعهده گرفت. وی نزد خان خوارزم رفته بود و به «سردار سرحدات ترکستان» لقب یافته بود. در نتیجه گروهی از ترکمانان بنا بر دعوت محمد خان قرایی به خراسان تاختند. عباس میرزای نایب السلطنه مامور شد تا با لشکر کشی به خراسان آرامش را به این خطه بازگرداند. با ورود عباس میرزا به مشهد گروهی از خوانین کوچک خراسان از جمله یلنگ توش خان جلایر کلاتی به وی پیوستند و آخر کار، یلنگ توش خان مامور سفارت به دربار ا... قلی خان خوارزمی گردید.[۳]»

جایی که پای فرنگی‌ها به آن نرسیده بود

فریزر که در سال ۱۲۴۸ق. برای بازدید از راه‌ها و تهیه نقشه‌های نظامی به خراسان مسافرت نموده است؛ در کتاب سفرنامه اش معروف به «سفر زمستانی»، از عدم موافقت حاکم کلات برای حضورش در این منطقه می نویسد. او در بخشی از سفرنامه خود از ماوقع ماجرای سفر به کلات چنین نوشته است:
«من امید داشتم با داشتن معرفی نامه هایی که به عنوان یلانتوش خان حکمران کلات نادری داشتم، بتوانم به آن نقطه مهم دسترسی یابم، همان جایی که هنوز پای فرنگی ها به آن جا نرسیده است.[۴] هر چند شاهزاده قهرمان میرزا حاکم مشهد با مسافرت این سیاح به کلات موافق بوده است ولی محمدرضا خان وزیر و یلانتوش خان حاکم کلات از مخالفان این سفر بوده اند.
وی همچنین در بخش دیگری از سفرنامه مذکور می نویسد:
«محمدرضا خان وزیر به یلانتوش خان گفت: خان این یک آقای انگلیسی است که می خواهد برود و کلات و ترکمن ها را ببیند و کتل ها و معبرها و راه هایی که می توان توپ ها را از آن گذراند یا قشونی را از آن حرکت داد ببیند تا این که انگلیسی ها بیایند و مملکت را بگیرند، چه می فرمایید.... مخالفت های محمدرضا خان وزیر و یلانتوش خان حاکم کلات با سفر یک جاسوس به کلات قابل تامل است و در نهایت سفر به کلات را غیر ممکن و دور از احتیاط دانسته اند و نهایت به فریزر پاسخ داده اند؛ صلاح نیست که شما هرگز به آن جا بروید.[۵]»

در حمایت از سام، در مبارزه با سالار

اما منابع دوره قاجار در گزارش هایی نیز به شرایط بحرانی مشهد و خراسان پرداخته و در این زمینه نوشته اند: در سال ۱۲۶۴ق. پس از مرگ محمد شاه قاجار، شاهزاده سلطان مراد میرزا حسام السلطنه پسر عباس میرزا نایب السلطنه به حکومت خراسان رسید. در این زمان در مشهد، سالار قیام نمود و یلنگ توش خان جلایر حاکم کلات که برای یاری رساندن سپاهیان ایران به مشهد آمده و در محاصره شهر، سام خان را یاری می کرد، کشته شد.
جریان واقعه از این قرار بود که به فرمانده سپاه ایران اطلاع دادند که سالار قصد دارد برخی از جنگجویانش را از شهر خارج نموده و به تسخیر کلات بفرستد، تا در صورتی که شکست خورد خود را به دژ تسخیر ناپذیر کلات رسانده و در آن جا مقاومت نماید. سام خان ایلخانی زعفرانلو فرمانده سپاه ایران، یلنگ توش خان جلایر را ماموریت داد تا هر چه زودتر با سوارانش به کلات برگردد و از ورود سپاهیان سالار به آن جا جلوگیری نماید. هنگامی که یلنگ توش خان به سوی کلات رهسپار بود، سپاهیان مروی طرفدار سالار، از کمین درآمده و او را محاصره و دستگیر کردند و به مشهد آوردند و تحویل بیگلربیگی برادر سالار دادند.

سَر خان در چنگ بیگلر

به دستور بیگلر بیگی سر یلنگ توش خان جلایر را بریدند و بر سر نیزه کرده و در کوی و بازار مشهد گردانیدند، تا تقویتی برای روحیه تضعیف شده جنگجویان سالار داخل شهر باشد. بهبود خان پسر یلنگ توشخان که خود نیز در محاصره مشهد شرکت داشت برای رسیدن به حکومت کلات استشهادی درست کرد و آن را به تایید سرهنگان و سرتیپان سپاه رساند.[۶]
طبق این سند تاریخی «چون مرحوم یلنگ توشخان کلاتی از قدیمی خدمتگزاران دولت ابد مدت علیه بوده و در زمان انقلاب خراسان تصدق فرق فر فراسای همایون پادشاهی شد» خدمت وی موجب می شود تا ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۵ق. به پاس خدمات یلنگ توشخان کلاتی، حکم خانی را به فرزندش بهبود خان اعطا نماید. بهبود خان جلایر جای پدر را گرفت و در محاصره مشهد و شکست سالار شرکت نمود.

اشتباها خاک بر سرما شد

یکی از اقدامات «یلنگ توش خان دوم» واگذاری آب های مرزی کلات به روس ها بود که در آن ایام موجب اعتراض مردم و تاثیر مخربی بر کشاورزی منطقه شده بود.
در سال ۱۳۰۹ق. و چند سال پس از انعقاد پروتکل آب های کلات، راپورت مسافرت یکی از ماموران عالی رتبه دولتی که از سوی ناصرالدین شاه مامور بررسی اوضاع کلات نادری شده بود، قابل تامل است. او مشاهدات خود را درباره ساکنان منطقه و اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بدین شرح ارائه داده است: روز شنبه غره ذیقعدة الحرام ۱۳۰۹ عالی جناب آخوند ملا علی پناه و عالی جاه سلیمان بیگ کدخدای طایفه صوفیانلو لاین با جمعی از ریش سفیدان لاین به تظلم آمده بودند که ما دویست خانوار در لاین سکنی داریم و به کلی آب و زمین ما از میان رفته در زمانی که یلنگ توشخان از جانب ناصرالدین شاه اختیار قرار داد سرحدات را داشت. یلنگ توشخان آدم بی خبر، اهمال کاری بود، صاحب اختیار را ترغیب کرد که آب و زمین لاین را به روس ها واگذار نمود. بعد از گذشتن این کار ما مستحضر شدیم که از اهمال کاری یلنگ توشخان و بی بصیرتی صاحب اختیار چه خاک بر سر ما شده است. لاعلاج جمعیتی فراهم آورده در وقتی که صاحب اختیار عزیمت به لاین داشت؛ برای بازدید ما هم رفتیم عارض شدیم و تظلم کردیم. بعد از تحقیق مدلل شد که اشتباها خاک بر سر ما شد و بدون جهت آب و زمین ما را به روس ها داده اند و بر ما ظلم وارد آمده است...[۷]»

منابع

[۱]. سردارانی از ایلات و طوایف در گز در خدمت میهن. سید علی میرنیا. مشهد: مولف. ۱۳۶۱، ص ۷۲
[۲]. سفرنامه خراسان و سیستان. چارلز ادوارد بیت؛ ترجمه قدرت ا... روشنی زعفرانلو، مهرداد رهبری. تهران: یزدان. ۱۳۶۵، ص ۱۴۵
[۳]. تاریخ شهر مشهد (از آغاز تا مشروطه). مهدی سیدی. مشهد: شهرداری مشهد. ۱۳۷۸، ص ۳۰۶
[۴]. سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی از مرز ایران تا تهران و دیگر شهرهای ایران. جیمز بیلی فریزر؛ ترجمه و حواشی از منوچهر امیری. تهران: توس. ۱۳۶۴، ص ۳۳۲
[۵]. همان، ص ۳۴۱
[۶]. حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران. کلیم ا... توحدی اوغازی. ج ۳. مشهد: ۱۳۵۹، ص ۳۴۱
[۷]. فرهنگ ایران زمین. ایرج افشار. جلد ۲۵. ص ۲۰۱

یادداشت

افشین رحیمی گل خندان

مدیر کل آموزش فنی و حرفه‌ای خراسان رضوی

ضرورت مهارت آموزی در حاشیه شهرها با هدف دستیابی به توسعه پایدار

موضوع اشتغال و دستیابی افراد به حرفه ای که برای آن ها بستر تامین درآمد، کرامت اجتماعی و... را فراهم آورد، یکی از اساسی ترین نیازها به شمار می آید که مانع از بروز بسیاری از آسیب ها و چالش ها در جامعه می شود.
با توجه به همین ضرورت است که تلاش می شود تا در مناطق محروم کشور، موج بیکاری با توسعه فعالیت های مولد مهار شود. همه ما بر این مسئله واقف هستیم که مشکلات ناشی از پدیده بیکاری و نبود اشتغال علاوه بر عرصه های اقتصادی، چالش های اجتماعی نیز رقم می زند و سلامت آن را به خطر می اندازد.
نکته قابل توجه آن است که در مناطق حاشیه نشین، به علل گوناگون از جمله نبود منابع کافی، تحت الشعاع شهرها قرار گرفتن و نبود درآمد مناسب انگیزه ای برای اشتغال و تولید وجود ندارد. هر چند برخی از افراد ساکن در این مناطق صاحب شغل هستند اما بسیاری از افراد، به ویژه جوانان، به سبب مهارت نداشتن و همچنین نبود سرمایه کافی برای ایجاد شغلی مناسب با مشکلات عدیده ای مواجه هستند.
بر همین اساس سازمان فنی و حرفه ای برنامه ها و اقداماتی را از طریق ایجاد اشتغال پایدار، ارائه مهارت های لازم به ساکنان مناطق محروم و ارتقای اعتماد به نفس و انگیزه لازم به آنان برای ایجاد کسب و کارهای خانگی در دستور کار قرار داده است، چرا که این مناطق با وجود دارا بودن نیروی انسانی با استعداد، در عمده شاخص های اقتصادی و اجتماعی در پایین ترین سطح قرار دارند که لازم است با برنامه ریزی منسجم، تزریق منابع، ایجاد برخی تسهیلات و... نرخ اشتغال این مناطق افزایش یابد.
هم اکنون آمارها حاکی از استقبال ساکنان این محلات از این آموزش هاست که البته آمارهای مذکور برای زنان و مردان متفاوت است، مثلا شاهدیم که در اکثر موارد مخاطبان دوره های مهارت آموزی زنان هستند. این امر گواه آن است که بخشی از بافت جمعیتی در مناطق محروم و بعضا حاشیه نشین را خانواده هایی شکل می دهند که زنان سرپرست آن بوده و در تلاش برای کسب مهارت ها و ارتقای توانمندی های خود هستند تا معیشت و اقتصاد خانواده خود را تامین کنند.
هم اکنون ۶۳ پایگاه مهارت آموزی در حاشیه شهرهای مشهد، نیشابور، سبزوار و تربت حیدریه مشغول فعالیت هستند و در مناطق محروم این شهرستان ها نیز خدمات آموزشی ارائه می کنند.
البته برای توسعه مهارت آموزی در مناطق محروم و حاشیه شهرها با چالش ها و مسائلی همچون کمبود و گاهی نبود فضای آموزشی مناسب برای برگزاری دوره های آموزشی، بروز مشکلات مالی برای سرپرستان خانوار در طول دوره، کمبود مربی با توجه به ضرورت توسعه آموزش در این بخش، کم سواد یا بی سواد بودن بخشی از مخاطبان این دوره ها، نبود مکان مشخص برای فراخوان و ثبت اولیه کارآموزان، فقدان حمایت از مهارت آموختگان توسط نهادهای مربوط پس از آموزش، حضور نداشتن کارآموزان در آزمون آنلاین با توجه به نداشتن سواد رایانه ای و.... مواجه هستیم.
به رغم آن که سازمان ها و نهادهایی از جمله شهرداری، بسیج سازندگی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، ستاد بازآفرینی محلات هدف، استانداری و فرمانداری ها برای برگزاری دوره های آموزشی با اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان همکاری های خوبی داشته اند اما نباید از این مهم غافل شد که کامل نبودن زنجیره آموزش، تولید، بازاریابی و فروش، اجرای دوره های آموزشی موازی توسط برخی از نهادها، محدود بودن پایگاه ها برای فراخوان و ثبت نام اولیه کارآموزان و... مشکلاتی هستند که رفع آن ها، هماهنگی و همکاری بیش از پیش دستگاه های دولتی و نهادهای عمومی را می طلبد.
بنابراین به منظور ارتقای مهارت های شغلی در مناطق محروم و حاشیه شهر باید نگاه ویژه به تامین تجهیزات آموزشی، تامین مواد مصرفی، هزینه های جاری مربوط به برگزاری دوره های آموزشی، حمایت لازم از افراد برای راه اندازی شغل پس از آموزش، کمک به بازاریابی برای فروش محصولات، سیاست گذاری مناسب برای ایجاد بازار چه هایی جهت فروش تولیدات و.... صورت گیرد.
در مجموع باید گفت، مهار بیکاری از طریق مهارت آموزی، منجر به کاهش بسیاری از عوارض نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق حاشیه نشین می شود و زمینه مناسب تری را برای رشد و توسعه اقتصادی این مناطق فراهم می کند. در واقع ایجاد تغییر و فرصت لازم در مهارت آموزی می تواند ضمن ارتقای میزان فعالیت های کارآفرینانه در مناطق محروم، به تغییر و بهبود جامعه کمک شایانی کند. به عبارت دیگر، ترویج و توسعه مهارت آموزی، ارتقای روحیه نشاط و نوآوری در کشور را به همراه دارد. از دیگر پیامدهای توسعه مهارت آموزی، کاهش مشکلات بیکاری و افزایش امید در جامعه، کاستن از بار مسئولیت های فراوان دولت و نهادینه کردن فرهنگ کار و کاهش برخی از معضلات اجتماعی شامل اعتیاد و بزهکاری بوده و در نهایت، ضمن تولید ثروت، به توسعه پایدار می انجامد.
علاوه بر این با توجه به محدودیت منابع نفتی و طبیعی در آینده و بهره وری پایین و گرایش به تعدیل نیروی انسانی در سازمان های دولتی و نهادهای وابسته به دولت و همچنین نرخ بالای بیکاری در کشور از سوی دیگر، در کنار خیل عظیم تازه واردان به عرصه کار، توسعه مهارت آموزی نه تنها یک نیاز برای جامعه است بلکه ضرورتی انکارناپذیر در کشورمان به شمار می آید.

بریده کتاب

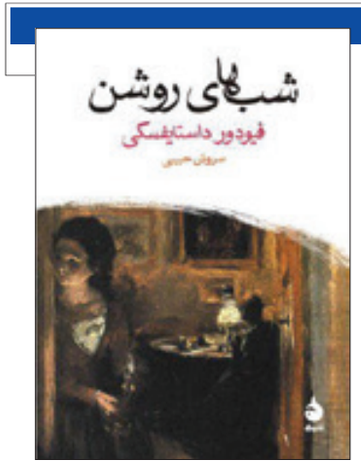

من دستپاچه شدم و با تعجب گفتم: «داستان زندگی‌ام؟ چه داستانی؟ کی به شما گفت که زندگی من داستانی دارد؟ من هیچ داستانی ندارم که...»
حرفم را برید که: «چطور زندگی‌تان داستانی ندارد؟ پس چجور زندگی کرده‌اید؟»
«چطور ندارد! بی داستان! همین طور! به قول معروف دیمی! تک و تنها! مطلقا تنها! شما می فهمید "تنها" یعنی چه؟»
«یعنی چه؟ یعنی هیچ‌وقت هیچ کس را نمی دیدید؟»
«نه، دیدن که چرا! همه را می بینم. ولی با این همه تنهایم!»
آدم احساس می کند که این مرغ خیال که همیشه در پرواز است عاقبت خسته می شود، با آن تنش دایمی‌اش رمق می بازد، زیرا آدم در عالم خیال بزرگ می شود و از آرمان گذشته‌اش در می گذرد، آرمان گذشته داغان می شود و به صورت غبار در می آید و اگر زندگی تازه‌ای نباشد آدم باید آن را با همین غبار مرده باز بسازد و در عین حال روح چیز دیگری لازم دارد و آن را می خواهد.
کتاب شب‌های روشن- نویسنده: فئودور داستایوفسکی